

پلیس در دوره رضاخان

پس از کودتای ۱۲۹۹ش، و آغاز زمامداری رضاشاه بنیانگذار ایران نوین، بدستور شاهنشاه، تمام مستشاران نظامی، ژاندارمری، نظمیه از ایران رفتند و این اولین و مهمترین قدمی بود که رضاشاه در راه بالا بردن حیثیت ملت ایران برداشت، به دنبال این اقدام، ارتش ایران متحدالشکل گردیده و نظمیه هم مرکزیتی یافت.

ریاست شهربانی

در آن هنگام مرحوم سرهنگ محمد درگاهی (که بعدها بدرجه سرتیپی نائل شد) ریاست دژبانی را به عهده داشت، طبق دستور شاهنشاه، شهربانی را در اولین روز خرداد (1302 ژنرال وستد اهل سوئدی) تحویل گرفت و بلافاصله تغییرات و تحولات سریعی در طرز کار این دستگاه روی داد، به طوری که همه شهربانیهای استانها و شهرستانها که در دوران سوئدیها مستقل و تحت نظر استادان و فرماندهها بودند. جزو مرکز شده و دستورات و اوامر پایتخت را اجراء و تمام وقایع و حوادث روز را به تهران اطلاع داده و کسب دستور میکردند. ریاست شهربانی سرتیپ درگاهی تا ۱۳۰۷ طول کشید و در آن زمان به جهات و مقتضیات سیاسی و اداری، وی را عوض نمودند و مرحوم کلنل سالار نظام، افسر سابق ژاندرمری که به درجه سرتیپی رسیده بود، (سرلشگر کوپال مجدی) رئیس نظمیه شد. در دوران ریاست این افسران، شهربانی کل بنا بر امر شاهنشاه با سایر سازمانها و موازی با سایر مسئولان کشور در تحول و پیشرفت دائمی به سوی کمال و توسعه ازلی و تربیت افسران جنوب و تهیه وسایل فنی و علمی و تجهیزات پلیسی بود و به همان نسبت که قدرت این دستگاه زیادتز میشد، امنیت و آرامش کاملی نیز در سرتاسر نقاط مملکت استقرار یافته و از آن همه آشفتگی و بینظمی قبل از کودتای (سوم جوت) در هیچ جای کشور خبری نبود. ریاست مرحوم کوپال قریب سه سال طول کشید و بنا به امر شاهنشاه، فضلله زاهدی به ریاست نظمیه منصوب شدند؛ ولی هنوز 24 ساعت از آغاز ریاست زاهدی در شهربانی نگذشته بود که حادثه فرار (سید فرهاد) از زندان قصر روی داد و چون در دوران سلطنت رضاشاه این قبیل حوادث بدون پرسش و عکس العمل نمی ماند. شاهنشاه گزارشی تقدیمی نوشتند که تا ۲۴ ساعت دیگر اگر فراری دستگیر نشده، رئیس نظمیه هم دنبال آن برود. به این جهت فضل الله زاهدی مدت خیلی کم در ریاست نظمیه ماند و جای خود را به سرلشگر محمدحسن خان آیرم داد

سرلشگر آیرم را میتوان موجد و بنیانگذار پلیس سیاسی ایران و تشکیلات شهربانی به صورت سازمان داده شده و با هدف تجسس و خبرچینی و پاپوشدوزی برای مردم به شمار آورده با اینکه آیرم در جوانی از افسران قزاقخانه و تربیت شده مدرسه صاحب منصبی قزاقخانه بود؛ اما ششم پلیسی نیرومندی داشت، وی در مدت کوتاهی ترقی کرد و به عنوان مشاور و ندیم و خبرچین و همه کاره رضاشاه در رأس قدرت قرار گرفت و کسانی چون نصرت الدوله فیروز، تیمورتاش و سردار اسعد را از اوج قدرت به کنج زندان فرستاد و قتل تیمورتاش و سردار اسعد و دهها تن دیگر از زندانیان با نفوذ به امر و اشاره او انجام گرفت. کسانی که پیرامون آیرم تحقیق کرده و زندگینامه او را نوشته اند، اصل راز را فاش کرده اند که آیرم به علت عمل جراحی که پزشکان خارجی در اروپا در سنوات جوانی وی، روی بدن او انجام داده بودند، قدرت جنسی خود را از دست داده و تقریباً به یک خواجه بدل شده بود. بنای عمارت فعلی شهربانی کل در

زمان آیرم شروع شده بود و کار ساختمان به سرعت پیشرفت داشت و عظمت و بنای عمارت شهربانی شبیه کاخ معروف پرسپولیس بود .

در سال ۱۳۱۰ لباس افسران این سازمان باز عوض شد و فرنج چهار جیب خاکستری رنگ روشن با یقه بسته و شلوار سواری به تن میکردند و شمشیر کوتاه و کلاه سوئدی دوطرفه داشتند

وی که چندین سال تمام ریاست پلیس سیاسی و شهربانی کل را به عهده داشت و در این مقام بیش از همه روسای شهربانی، بحسب مقام و قدرت کرده بود، در سال ۱۳۱۳ مریض شدند و اطباء معالج هم تشخیص دادند که گرفتار یکنوع بیماری خطرناک گلو هستند و اگر به اروپا نرود، از بین خواهد رفت. وی پس از عزیمت به اروپا، از مراجعت به ایران خودداری کرد و پس از وی، کفالت شهربانی کل به عهده آقای رکن الدین مختار که در زمان آیرم سمت معاونت ایشان را داشت، واگذار گردید و این نخستین بار بود که یک افسر شهربانی به ریاست این دستگاه رسید. مختار ضمن انجام وظیفه در شهربانی به درجه سرتیپی شهربانی مفتخر و تا وقوع حادثه شهریور ۱۳۲۰ در این مقام باقی بودند و چند روزی که از حوادث شهریور ۱۳۲۰ گذشت، تهران را ترک گفتند و سرتیپ اعتماد مقدم، شهربانی را اداره میکردند و از تاریخ ۱۴ تا ۲۵ شهریورماه ۱۳۲۰ سرپاس مختار از خارج به تهران برگشتند و دو مرتبه ریاست شهربانی را به عهده داشتند تا اینکه در ۲۵ شهریورماه ۱۳۲۰ از کار برکنار شدند.

علائم ممیزه و درجات حقوقی

در دوران سلطنت رضاشاه کبیر علائم ممیزه و درجات نظمیه که پس از تشکیل فرهنگستان ایران، واژه (پلیس و شهربانی) جایگزین آن شد، دوبار عوض شد. در زمان ریاست سرتیپ درگاهی و کوپال و زاهدی، افسران شهربانی، لباس نظام به تن داشتند و کلاه آنها پوستی با نشان نظمیه بود و شمشیر کج به کمر بسته، چکمه بپا میکردند. در سال ۱۳۱۰ لباس افسران این سازمان باز عوض شد و فرنج چهار جیب خاکستری رنگ روشن با یقه بسته و شلوار سواری به تن میکردند و شمشیر کوتاه و کلاه سوئدی دوطرفه داشتند و در مراسم افسران و افراد پلیس ۱۳۱۰ به این طرف عوض شده و بجای درجات و علائم نظامی از تاج استفاده میکردند و درجات افسران به ترتیب چنین بود: رسدبان ۳ (ستوان سوم)، رسدبان ۲ (ستوان دوم)، رسدبان ۱ (ستوان یکم)، سربد (سروان)، یاور (سرگرد)، پاسیار ۲ (سرهنگ ۲)، پاسیار (سرهنگ)، سرپاس (سرتیپ)

حقوق و مزایا در شهربانی

حقوق افراد و پاسبانها در آن زمان بترتیب در ارگان شهربانی به این ترتیب بود که: پاسبان درجه ۳ (۱۷۰ ریال)، پاسبان درجه ۲ (۱۸۰ ریال)، پاسبان درجه ۱ (۱۹۰ ریال). (افسران و کارمندان سویل بطور کلی حقوق خود را میگرفتند و حقوق رتبهها بدون شرح بود: رتبه ۱ حداکثر (۳۲۰ ریال)، رتبه ۲ حداکثر (۴۲۰ ریال)، رتبه ۳ حداکثر (۵۲۰ ریال)، رتبه ۴ حداکثر (۶۸۰ ریال)، رتبه ۵ حداکثر (۷۲۰ ریال)، رتبه ۶ حداکثر (۸۰۰ ریال)، رتبه ۷ حداکثر (۹۲۰ ریال)، رتبه ۸ حداکثر (۱۳۲۰ ریال)، رتبه ۹ حداکثر (۲۱۰۰ ریال)؛ [۹] ولی باید توجه داشت که در آن زمان از رتبه ۴ و ۵ به بالا بندرت داده میشد. به این جهت بعضی از رؤسای کل و دبیر کلها و معاونین وزارتخانهها به اخذ رتبه ۸ و ۹ نایل میشدند و رئیس کل شهربانی استثنائاً و به طور اختصاصی، چهارصد تومان حقوق ماهیانه دریافت میکرد.

کمیسیریا (اداره پلیس)

پس از کودتای اسفند ۱۲۹۸ و آغاز دوره شهریاری رضاشاه، شهر تهران ۱۲ کمیسیریا داشت که شمیران کمیسیریای ۱۱ و شهرری ۱۲ آن بشمار میرفت. در آن سالها هر کمیسیریا سه افسر سلطان و نایب اول، نایب دوم داشت و رئیس کمیسیریا با درجه سلطانی انجام وظیفه میکرد و سرتیپ احمد درخشانی در آن زمان معروف به (سلطان احمدخان) مدتهای متمادی کمیسر ناصیه حسناآباد بوده است، در آن زمان افراد کمیسیریا ۲۴ ساعت خدمت و ۲۴ ساعت در استراحت بودند، بدون خدمت اضافی. هر کمیسیریا نزدیک ۶۰ نفر پاسبان داشت که نصف در خدمت و نصف در استراحت بودند؛ ولی کمیسیریای بازار به علت اینکه شبها روی پشت بامهای بازار، پست میگذاشت، عده بیشتری در اختیارش بوده حقوق ماهیانه افراد پاسبان ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ قران بود .

حقوق افراد و پاسبانها در آن زمان بترتیب در ارگان شهریانی به این ترتیب بود که: پاسبان درجه ۳ (۱۷۰ ریال)، پاسبان درجه ۲ (۱۸۰ ریال)، پاسبان درجه ۱ (190 ریال).

وکیل چپ در حدود ۱۲ تومان و افسران با رتبه ۱ سی و دو تومان دریافت میکردند و کمیسر حدود ۷۲ تومان حقوق داشت. هر کمیسیریا سه افسر داشت که یکی در گشت محل بود و یکی در راحتی و سومی هم در کمیسیریا انجام وظیفه میکرد. سرپاس ادیب السلطنه رادسر که در آن هنگام معروف به ماژور بود و با سوئدیها نیز به عنوان مترجم همکاری داشت، به سمت ریاست پلیس تهران برگزیده شد. پس از رفتن سرتیپ درگاهی در زمان ریاست سرتیپ کوپال، رئیس پلیس تهران زمانی با ادیب السلطنه رادسر و ملاتی با سرهنگ پاشاخان مبشر بوده است، که چندی بعد سرهنگ فضل الله آفاخانی به جای ایشان منصوب شد؛ ولی در دوره ریاست سرلشگر آیرم، دو مرتبه ادیب السلطنه رادسر و بعد پاسیار ۱ شوکت، این سمت را بدست آوردند. لیکن پس از رفتن آیرم به اروپا، ریاست پلیسی تهران، بین سرهنگ پاشاخان مبشر و ادیب السلطنه رادسر این دست و آن دست میشد و این وضع تا شهریور ۱۳۲۰ که سرپاس مختار ریاست شهریانی را به عهده داشت، ادامه یافت. در سال ۱۳۱۳ فرهنگستان ایران بنا بر امر رضاشاه این اصلاحات را از بین برده و به جای آنها اسامی فارسی کلانتر، کلانتری و سرکلانتری و سرکلانتر را انتخاب کرد.

بخش تاریخ تبیان

منبع: پژوهشکده باقرالعلوم